

پیوست جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه



حسین قراگزلو

E-mail:Gharagolou@yahoo.com

جهانی، حیطة نظارت فیفا و حتی خارج از محدوده تاریخ نگاری به روال عادی بود. زیرا در تاریخ می آید که فوتبال از مدارس انگلیسی آغاز شد، فیفا را روزنامه نگاری فرانسوی بنیان نهاد، جام جهانی را ژول ریمه برپا کرد و کدامین تیم ملی فاتح جام نخست شد و بعد از آن هفت تیمی که فاتح جام شدند، کدامین بودند ولی اشاره ای به انگیزه ها و شکل ها و عملکردها نمی شود. کسی نمی گوید که روی چه انگیزه ای مدیران فوتبال عمر می نهادند و مربیان بار تمام زحمات جهان را بر دوش می کشیدند تا نو نهالی را به درخندگی رسانند و چشم و چراغ ملتی سازند؟ کسی به «روبرت گرین» پول نمی داد و او را نیز چشمداشتی نبود. هیچ کس از اندیشه های «ژول ریمه» تقدیر نمی کرد. حتی دولت فرانسه در بسیاری جهات افکار و انتظاراتی داشت که در اندیشه ژول ریمه نبود بلکه اندیشه های او برخلاف امیال دولت متبوع او بود. کسی سراغ نمی گیرد تا بداند که «هربرت چاپمن» روی چه انگیزه ای تیم بزرگ آرسنال را پایه افکند تا مکتب جدید فوتبال بریتانیایی ظهور کند؟ کسی را راه به عشق «هوگوینز» برپا کننده تیم تحسین انگیز نبوده است و کس را از صرف نیروی بی پایان «وینوریوزو» آگاهی نیست اینان همه مرده اند، خاک شده اند و از دایره خاطره ها بیرون رفته اند ولی اینان و کسانی دیگر از خدمتگذاران اگر نبودند فوتبال غیر از این می شد که در گردش جام جهانی ۱۹۶۶ دیده شد. از قضای روزگار سه مردی که نام برده شدند هیچکدام بازیکن فوتبال نبودند هیچ یک دارای مشترکات اخلاقی، روانی، مالی و غیره نبودند ولی هر سه دارای این اشتراک بودند. که در عشق به فوتبال و پرورش جوانان و برپایی تیم های بزرگ غرقه دریای واحدی بودند. این عشق پروانه وار تا پایان جام جهانی ۱۹۶۶ شعله ور بود. در طی روزگار یاد شده از یک جهت مربیان و مدیران پدران فرزندان بودند که از خانواده های مختلف می آمدند. این فرزندان نور چشم پدران دوم خود می شدند و می دانستند که اگر پدر خویش را از کف دهند همان مهر و محبت را نزد مربی یا مدیر تیم خود می یافتند. ورود پدران اجاره ای بعد از جام جهانی ۱۹۶۶ آغاز شد. بدین روی فصل تازه ای در فوتبال جهان گشوده شد که کسی را بران اعتنائی نیست. تا آن سال شخصی چون «زهر برگر» به واقع پیست و نه سال مربی تیم ملی آلمان غربی بود چنانکه مردم آلمان غربی او را «اونکل زب» یا عموزب می خواندند و در جریان همین جام بود که چون تیم ملی برزیل شکست خورد مربی آن «وینسات فتولاباویسته» روی و جرأت بازگشت به وطن نیافت و آواره اروپا گردید. بعد از این جام بود که اندک اندک دوران به دست مربیان اجاره ای افتاد و مهر پدری از این حرفه مقدس رخت بریست. مربیان از آن پس پدران نبودند و نیستند. آیا این ورق خوردن تاریخ گشایش فصل جدید نیست؟ از این تاریخ داستانی امروزه تنها دو قصه به صورت زنده جاری است یکی قصه برزیلی که تلاطم هایی نیز داشته است و دیگر قصه آلمانی که همچنان جاری است. ناتمام

مسائلی روبرو می شود که چاره ای غیر از پذیرش آنها ندارد در حالی که می دانیم همه به سود فوتبال واقعی نیست. آگاهی بخشیدن به جامعه فوتبال کار رسانه های گروهی خود این معرکه را جاق کرده اند. زیرا نفع آنها نیز در همین است از دست من به عنوان دبیر کل و تو به عنوان خبرنگاری از جهان سوم چه کاری ساخته است؟ با این وجود باید نوشت، باید گفت و باید ایستاد تا دست بسته تسلیم نشد. شاید موازنه ای پیش آید که به سود فوتبال واقعی نیز باشد. دبیر کل فیفا راست می گفت زیرا امروز می بینیم که فوتبال با حضور امور بازرگانی به جایی رسیده است که بدون آن نمی توانست برسد. ولی باید دید اینجا کجاست؟ جای این بحث در پایان دقتی دیگر است. زیرا اینک به پایان جام جهانی ۱۹۶۶ رسیده ایم که همه چیز آن رنگ طلائی دارد و فوتبال را چنان آسمانی زیر پا دارد که در آن کهکشانی از ستارگان می درخشند و در افق دور دست رنگین کماتی نقش بسته است که دیدگان عالم و عامی را خیره می کند. هنوز نوری که از سیمای ستارگان تیم ملی او رو گوته ساطع شده است محو نگشته و عظمتی را که کشوری کوچک آفریده کسی از یاد نبرده است. هنوز خاطره تیم ملی اتریش زنده است و همچنان تحسین انگیز به شمار می رود. لئونیداس و آد میر برزیلی علی رغم ظهور پله در سال ۱۹۵۸ روشن بخش خاطره ها هستند و سرداران سواحل لاجوردی از زیر ننگ خدمت به رژیم فاشیسم بیرون آمده همدریف مقدسین واتیکان نشسته اند سال ۱۹۶۶ شصت و دومین عمر فیفا و سی و ششمین سال عمر جام جهانی بود و حدود یک قرن از تولد فوتبال می گذشت. طی سالهایی که از عمر فوتبال فیفا و جام جهانی گذشته بود رویدادهائی به وقوع پیوست که خارج از متن جام

سرمگرم رقابت هستند. از روزی که نخستین قرارداد میان باشگاه و بازیکن بسته شد و نخستین جابجائی بازیکن میان باشگاهها به وقوع پیوست نیروی سومی نیز به معرکه راه یافت و آن نیرو این بود که هر کسی به صورت فردی نقش خود را نیز در معرکه میان آن دو نیرو جستجو کرد. نزدیک به پایان سده بیست این نیرو از دو نیروی یاد شده بازتر گشت. از سال ۱۹۷۰ نیروی چهارم وارد معرکه گشت این نیرو به صورت شرکت های خواهان منفعت ظاهر شد. این نیروی چهارم را نمی توان با شکل و هدف واحد ارزیابی کرد بلکه باید با دو شکل و دارای دو دیدگاه مطالعه نمود. یکی شرکت هایی که صرفاً منافع خود را در نظر داشتند و عملاً با فن و علم کار و عمل فوتبال آشنا نبودند و دومی شرکت هایی که علم و فن و کار فوتبال را تعقیب می کردند و نفع عام را در نظر داشتند. آن یکی ضمن اینکه سود می برد به گسترش فوتبال کمک می کرد و این یکی نفع خود را در اعتلای فن و علم و عمل به فوتبال می دانست و جنبه پرورش را سامان می بخشید. اولی ریشه آمریکایی داشت و دومی ریشه اروپایی. چنان است که امروزه باشگاههای بزرگ به صورت شرکت های حرفه ای فوتبال در آمده اند و شرکت های بازرگانی با در نظر داشتن منافع خود عامل مهم گسترش مسابقات فوتبال شده اند. اگر ماده و معنایی هنوز در فوتبال جهان برجای مانده باشد صاحبان علم و فن و عمل معنای آن را می پروراندند و اربابان بازرگانی ماده آن را تقویت می کنند و هر دو لازم و ملزوم شده اند. اگر عقلای فوق فوتبال این دو معنی را درک نکنند و میان این دو ترازو در دست نایستند اربابان بازرگانی همه چیز را در تیول خود خواهند گرفت و سرانجام فوتبال را در سده بیست و یکم به جایی می رسانند که المپیک باستان رسید یا به سویی سوق خواهند داد که امروز با نمونه بارز آن به نام «مشت زنی حرفه ای» روبرو هستیم. هنگام دورنهایی جام جهانی در مکزیکوسیتی ۱۹۷۰ در مکزیکوسیتی شاهد ورود موفقیت آمیز شرکت های بازرگانی به جام جهانی بودم. هر جا می رفتی نوعی مارک خودروی آلمانی را می دیدی یا نوعی نوشابه آمریکایی را هر سیستم وابسته به جام را شرکتی بازرگانی خریده بود و هر جا گام می نهادی اثر انگشت یا کالائی را تماشا می کردی که از آن مؤسسه ای بود به خاطر قراردادی منعقد شده، در آن روزگار وسائل ارتباط جمعی چنان نبود که خبرنگار بتواند عکس و خبر را بی درنگ مخابره کند و به درد روزنامه بخورد بلکه چنان بود که به کار هفته نامه می خورد. پس فرصتی بود تا صرف نگاه به وضع حاضر و اندیشه به آینده باشد. دبیر کل فدراسیون بین المللی فوتبال مردی آراسته و آگاه به نام «هلموت کی زو» بود وقت گرفته با او دیدار کرده آنچه را اندیشیده بودم بازگو کردم. خوب توجه کرد و گفت: فوتبال یک بازی جهانی است با

فوتبال ورزشی است که در پوسته خود نمی گنجد. در میان تمام ورزشهای قدیم و جدید تنها فوتبال است که نزدیک ترین رابطه با روح و جسم و خلق و خوی آدمیزاد دارد. مگر انسان را مرز ایستی هست؟ همیشه بیشتر و بالاتر را می جوید و همواره در تکاپوی رسیدن به اوج و گستره ای ناشناخته است. این خاصیت فوتبال نیز هست که بزرگترین و محبوب ترین ورزش انسان سده بیست می باشد. چنانکه در بخش تاریخی مطالعه شد عمر بازی با جسم گرد به درازای عمر بشر است با این وجود این بازی را چنانکه بتوان فوتبال نامید در واقع باید از آغاز سده بیست حساب کرد. درست که پیش از آغاز این سده نخستین پوسته خود را شکافت و از محله ای به محله دیگر رفت و از مدرسه ای به مدرسه دیگر و حتی از شهری به شهر دیگر و کشوری به کشور دیگر ولی تمام اینها را می توان به گردشی کود کانه تعبیر کرد که برون از خود را می جوید و درون خود را نمی کاود. در عین حال ناخودآگاه به پرورش درون و بیرون مشغول است. به همین دلیل است که می گویند، فوتبال زندگی است. فوتبال واقعی از زمانی آغاز شد که نقش «مدیر» و داور اهمیت یافت. مدیری که بازیکن در خور پیدا کرده تیمی بسازد و دآوری که مسابقه ای را رهبری کند. این دو پایه اساسی با مشخصاتی ابتدایی در آغاز سده بیست به وجود آمد. مدیر کاری به پرورش بازیکن جوان نداشت و داور را کاری به تفسیر مقررات ساده دآوری نبود. وظیفه ای تعیین شده از روی قانون نوشته با ضمانت اجرائی نبود که همه از آن پیروی کنند چه نزد مدیران و چه نزد داوران و بازیکنان می توان گفت که علاقه یا عشقی ناشناخته راهنمای همگان به پرداختن بود نه حوصله و درایت ساختن. هیچ کس از تلاشی که می کرد پاداشی غیر از ارضای امیال خود نمی خواست و در بند مزد مادی نبود. همه توان جسمانی و مادی خود را می نهادند تا راضی کننده هوی و هوس باشند. فوتبال واقعی از زمانی آغاز شد که فلسفه تربیت بدنی بدان راه یافت که آن را «اپنیسر انگلیسی» پایه نهاد و کو برتن فرانسوی دنبال نموده وارد بازیهای المپیک کرد. ولی هنوز تا جای گرفتن این فلسفه در فوتبال تحقق باید راه درازی در پیش بود تا اینکه «روبرت گرین» فرانسوی اندیشه فدراسیون فوتبال بین المللی را مطرح کرد و فدراسیون بین المللی را پایه نهاد. این به سال ۱۹۴۰ اتفاق افتاد. فدراسیون بین المللی را نوید می داد که منجر به برگزاری جام جهانی و روبرویی ملت ها می گشت. در این روبرویی دو نکته بسیار مهم نهفته است، یکی دخالت ملی گرایانه و دومی حرکت به سوی جهانی شدن و اندیشه های فراملیتی و دامن زدن به آشنائی مردم کشورها با یکدیگر به عبارت دیگر دو مسئله کاملاً متضاد روبرویی هم قرار می گرفت. کشمکش میان این دو نیرو در پایان سده بیست ادامه یافت و همچنان

جام جهان نما آنتن ماهواره ای در شمال کالیفرنیا



بیش از ۲۳ کانال تلویزیونی و ۴ کانال رادیویی
۲۴ ساعته فارسی زبان و دیگر کشورهای جهان



دستگاههای کامل جدید ماهواره ای از ۱۹۹ دلار

با داشتن نمایندگی فروش دستگاههای «سامسونگ» بدون واسطه، جدیدترین و ارزانهترین قیمت ها را ارائه میدهم!

دستگاه جدید Samsung مدل 4700

Samsung Satellite Dish & receiver Only \$249

هزینه نصب و مالیات به عهده خریدار میباشد

دستگاه کامل ماهواره ای
با جدیدترین رسیورهای
سامسونگ مدل ۴۷۰۰
با بهترین قیمت،
فقط ۲۴۹ دلار

نصب کاملاً حرفه ای توسط متخصصین حرفه ای

LICENSED CONTRACTOR

با یکسال گارانتی نصب و دستگاه و در صورت نیاز به تعمیر،

در منزل خودتان تعمیر انجام میگردد!

✓ نصب فوری تصویر دیجیتال و صدای صاف با رسیورهای جدید دیجیتال کارتی ✓ بدون هزینه ماهانه

گران نخرید! Our equipments are brand new and we guaranty it. با ارزانهترین قیمت ها!

Satellite Dish to watch Iranian TV & some other countries



کارت های اعتباری پذیرفته میشود.

برای اطلاع بیشتر در مورد رسیورهای جدید با نرخهای مخصوص با فرزام تماس بگیرید.

(510) 773-7881

۷۸۸-۷۷۳ (۵۱۰)



کارت های اعتباری پذیرفته میشود.